

## نگاهی تاریخی به حماسه عاشورا از منظر ادب فارسی

دکتر محمد حسن بیگی<sup>۱</sup>

دکتر اصغر شهبازی<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۲۱

### چکیده

ادبیات نمایان‌گر رویدادهای تاریخی است که اغلب با عواطف و خیال ادب‌عجین بوده است. از این منظر، ادبیات و تاریخ به هم پیوسته و جدا ناشدنی‌اند. روایت حماسه امام حسین علیه السلام در ادب فارسی، در قالب‌های متنوع ادبی ارائه شده است. چنین آثار ادبی در هر دوره‌ای جلوه‌های گوناگونی از آن حماسه را مکتوب کرده است. در این نوشتار با مروری بر سروده‌های عاشورایی از گذشته تا کنون، تلاش شد تا برجسته‌ترین موضوعات مورد اهتمام شاعران استخراج و از این طریق چگونگی ارائه این حماسه جاودان در آثار شاعران ترسیم شود.

**کلیدواژه‌ها:** ادبیات مذهبی، حماسه عاشورا، شعر عاشورایی.

### مقدمه

از آنجا که شعر حسینی به عنوان بخشی از ادبیات عاشورایی است، شایسته است نخست، آشنایی مختصری با واژه عاشورا و ادبیات عاشورایی داشته باشیم. عاشورا

۱. استادیار گروه تاریخ دانشگاه اراک (نویسنده مسئول). mohaamad.beigi@gmail.com

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات عرب دانشگاه بین‌المللی امام خمینی قزوین. shahbazi@hum.ikiu.ac.ir

واژه‌ای سامی است که از زبان آرامی به زبان عربی راه یافته است. عاشورا از آغاز وضع واژه‌ای مقدّس و محترم بوده است و در اسلام دهم محرم را که امام حسین علیه السلام به شهادت رسید را عاشورا گویند. مقصود از ادبیات عاشورا، که گاه ادبیات کربلا و ادبیات طّف<sup>۱</sup> نیز نامیده می‌شود، کلیه ادعیه و زیارات، مراثی، مقاتل و مصیبت‌نامه، نمایشنامه و اشعار و نظایر آن در موضوع عاشورا است. ادبیات عاشورا، از نظر محتوا نیز ادبیات تعلیمی، تبلیغی، ارشادی و انسانی است که رسالتش آموزش حق‌جویی، ستم‌ستیزی، ارشاد به اصول آزادی و عدالت است (نک. افتخارزاده، ۱۳۷۴: ۸۲). شعر حسینی یا همان شعر عاشورایی نیز بخشی از گستره ادبیات عاشورایی است که از یک سو، به شکل خاص، حال و هوای شیعه را در واکنش به این حادثه به نمایش می‌گذارد و از سوی دیگر، به شکل عام، وضعیت مسلمانان و جامعه را در قبال آن به تصویر می‌کشد (شمس‌الدین، بی‌تا: ۱۴۹). به عبارت دیگر، در تلاش است چهره راستینی از آنچه که در حادثه وقوع یافته، در قالب کلام خیالی و سرشار از عاطفه ترسیم کند. تأیید و تشویق شاعران از سوی اهل بیت علیهم السلام و تعهد آنها در برابر دین و جامعه، به شکل‌گیری و تداوم این نوع از شعر کمک شایانی کرد<sup>۲</sup> (الحسن، ۱۴۱۸: ۱۸۵). در تعریف دیگری از این نوع شعر چنین آمده است: «شعر عاشورایی به شعری گفته می‌شود که پیرامون قیام الهی حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام، مبتنی بر شهادت ایشان و یارانشان، توصیف شخصیت‌های عاشورا، توصیف صحنه‌های جنگ کربلا، حوادث قبل و بعد از آن و نیز پیوند تاریخ و تطبیق تاریخ با آن حادثه سخن می‌گوید» (کافی، ۱۳۸۶: ۳۵).

انگیزه‌های شکل‌گیری شعر حسینی  
 باید به این نکته توجه داشت که شاعران در سرودن اشعار حسینی عوامل و انگیزه‌های متفاوتی داشته‌اند. از مهم‌ترین انگیزه‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. طّف در لغت به معنای «ساحل البحر» و «جانب البحر» است و کربلا چون در ساحل رود فرات قرار گرفته است، به این نام معروف گشت (ابن منظور، ۱۴۰۸: ۸ / ۱۱۷).
۲. به عنوان نمونه، امام صادق علیه السلام در حمایت شاعرانی که درباره امام حسین علیه السلام شعر بسرایند، می‌فرماید: «مَنْ قَالَ فِي الْحُسَيْنِ شِعْرًا فَبَكَى وَأَبْكَى غَفَرَ اللَّهُ لَهُ وَوَجِبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ» (الحسن، ۱۴۱۸: ۱۸۶).

الف) عشق و ارادت به امام حسین علیه السلام به عنوان اهل بیت علیهم السلام و محبوب پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله از بالاترین انگیزه‌هایی است که بسیاری از شاعران را به تجلیل ایشان واداشته است.

ب) گروهی به نیت ثواب و به امید کرامت در سرای آخرت به حوزه شعر عاشورایی وارد شده‌اند؛ اینان با توجه به ترغیب ائمه علیهم السلام و تشویق آنان به این فن روی آورده‌اند، برخی نیز در این زمینه تبخّر نداشته‌اند، برخی از اشعار فقها و مجتهدان در این زمره قرار می‌گیرد.

ج) برخی دیگر به دلیل تعلّقات اعتقادی و وابستگی‌های مذهبی، نه رسیدن به ثواب، به این میدان گام نهاده‌اند. بسیاری از شاعران شیعه و ملحمه‌سرایان حسینی را باید در این گروه قرار داد.

د) گروهی از شاعران، مجذوب حماسه امام حسین علیه السلام گشته‌اند و در اقتدا به راه و رسم او زبان به شعر گشوده‌اند. در میان این شاعران مسلک‌ها و مذاهب گوناگون وجود دارد، شاعرانی با مذهب سنی چون ابن ابی الحدید، امام محمد شافعی و شاعر مسیحی بولس سلامه از آن جمله‌اند.

ه) عمق فاجعه و شدت این واقعه عظیم نیز از عواملی است که بسیاری از ادیبان از هر مسلک و مرام را تحت تأثیر خود قرار داده و آنها را به ترسیم جنبه‌های گوناگون آن واداشت (خزعلی، ۱۳۸۳: ۱۶-۱۷).

#### تاریخچه شعر حسینی در ادبیات فارسی

پرتوهای حماسه پرشور حسینی، معنویت و روحانیتی عظیم در ادبیات ایران زمین پدید آورده است. وقتی به شعر فارسی در دیوان شاعران در طی روزگاران مختلف می‌نگریم، اشعار زیادی را، به ویژه پس از دوره صفویه، در ثا، مدح و ستایش امام حسین علیه السلام و یارانش می‌یابیم، اشعاری که از قلب‌ها تراویده و بردامان ادبیات نگارین گشته است. این اشعار، همچون نمونه‌هایش در ادبیات عربی، دوره‌های مختلفی به خود دیده و از فرود و فرازهای مختلف سیاسی، تحولات اجتماعی و فرهنگی گذر کرده است.

برای شناخت بهتر شعر حسینی در ادبیات فارسی، آن را به دوره‌هایی تقسیم بندی کردیم تا با شناخت ویژگی‌های برجسته هر دوره، آشنایی کلی از سیر آن در گذر تاریخ داشته باشیم.

- عصر نخست: دوره پیش از صفویه (از قرن چهارم تا پایان قرن نهم).

- عصر دوم: دوره حکومت صفویه (قرن‌های دهم و یازدهم).

- عصر سوم: دوره پس از صفویه تا پایان قاجاریه (قرن‌های دوازدهم و سیزدهم).

- عصر چهارم: دوره معاصر (از ۱۳۰۰ هجری شمسی به بعد) (کافی، همان: ۳۶).

همان طوری که در این تقسیم بندی ملاحظه می‌شود، برخلاف شعر حسینی در ادبیات عربی که آغاز آن از سده نخست هجری است، در ادبیات فارسی دوره نخست از قرن چهارم آغاز می‌شود. حال چنین سؤالاتی در ذهن متبلور می‌شود: وضعیت شاعران متعهد فارسی سرا در آن دوران چگونه بوده است؟ مگر جز این است که این حماسه در سده نخست هجری در چهره روزگار نقش بست؛ پس علت نداشتن اشعاری در این باب، در زبان فارسی چیست؟ برای پاسخ به این دو پرسش و نظایر آن، باید گفت که آفرینش و شکفتن آثار ادبی، علاوه بر نیاز اجتماعی به شرایط مطلوب و مقبول سیاسی و فرهنگی نیز نیازمند است و این در حالی است که ادبیات عاشورا به عنوان محوری ارجمند برای ادبیات شیعه، در حصر و حبس‌هایی قرار داشته و همواره در طول تاریخ با موانعی روبه‌رو گشته است. همچنین باید به این نکته توجه کرد که در ایران از زمان ظهور اسلام تا پایان دوره مغولان مذهب رایج در نشأتگاه شعر فارسی، مذهب سنی بوده است؛ از این رو، نباید انتظار این را داشت که شاعران مرثی‌سپاری درباره آل علی علیه السلام سروده باشند (حسن‌لی و کافی، ۱۳۸۵: ۳۳). در آن روزگاران، دشمنان، شیعه و خط سرخ آل علی و امامت و رهبری امامان معصوم علیهم السلام را مزاحم تداوم سلطه‌گری خود می‌دیدند و همواره برای نابودی شیعه و آثار فرهنگی‌اش در تلاش بودند. مؤلف کتاب *دانشنامه شعر عاشورایی* با بیان گرایش شعر فارسی به مدح و رثای خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله از قرن چهارم هجری، فضای حکومتی را از دلایل اصلی نبود شعر حسینی می‌داند و می‌گوید: «جای شگفت این جاست که شاعرانی چون کمیت و نظایر وی در ادبیات عربی چگونه در

پایگاه‌های خلافت، آشکارا به طرفداری و ستایش اهل بیت علیهم‌السلام پایبندی داشته‌اند! (محمّدزاده، ۱۳۸۳: ۷۱۷-۷۱۸). با جمع‌بندی نظریات در باب معذوریت‌های شیعه و شاعران آن می‌توان عوامل زیر را به عنوان موانع کار در مسیر شعر حسینی برشمرد:

الف) عدم وجود یک پایگاه ثابت و رسمی حکومتی برای تشیع؛ از این رو شیعیان آثار خود را از ترس حکومت پنهان می‌کردند.

ب) بسیاری از شاعران، حب و عشق به اهل بیت علیهم‌السلام را در دل پنهان داشته و تقیه می‌ورزیدند.

ج) بسیاری از شاعران درباری، برای کسب صله و جایزه، صدها بیت شعر در وصف پادشاهان و امرا می‌سرودند، این در حالی است که شعرای پاک‌باخته شیعی به جرم حق‌گویی و دفاع از تشیع جان می‌باختند. بنابراین، نه تنها تشویق و ترغیبی بر شعرای حسینی در کار نبود، بلکه تهدیدها و تکفیرهای دشمنان آنها را مایوس می‌ساخت.

د) گاه با مهاجرت شاعران شیعی برای نجات جان زن و فرزند، آثار علوی نیز در بلاد پهناور آن روز پراکنده می‌شد و چه بسا که از بین می‌رفت (حجازی و محمدزاده، ۱۳۸۷: ۲۳-۲۲).

افزون بر موارد گفته شده، با مروری بر تاریخ به خوبی روشن می‌شود که تا اوایل سده چهارم، اجازه عزاداری عمومی در سوگ سالار شهیدان و شهدای کربلا به دستداران ایشان داده نمی‌شد و به خاطر حاکمیت فرمانروایان سنی مذهب در جای جای ایران و سخت‌گیری‌های متعصبانه آنان، از پیشینه شعر عاشورا در سه سده نخستین هجری نمی‌توان مطالبی را ارائه کرد. البته این نکته را نباید از نظر دور داشت که در سه سده نخستین هجری از شعر فارسی با سبک و اسلوب امروزمین خود خبری نیست، سعید نفیسی (۱۳۶۳: ۱۶) در کتاب تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی، در این زمینه چنین می‌نگارد:

نزدیک به سیصد سال کشمکش دایمی در میان ایرانیان مغلوب و تازیان غالب در سراسر ایران در میان بوده و به هیچ وجه مجال نبوده‌است که مردم ایران به کارهای علمی و ادبی پردازند و به همین جهت در این مدت سیصد و چند

سال، ایران از شاعر و نویسنده به زبان خود تهی مانده است و از طرف دیگر، زبان فارسی که در نتیجه آمیزش زبان پهلوی و زبان دری با کلمات عربی به وجود آمده است، هنوز کاملاً به صورت امروز ساخته نشده بود و در حال کمون بود.

### شعر حسینی از قرن چهارم تا پایان قرن نهم

با روی کار آمدن سلسله آل بویه، خصوصاً حکمرانی معزالدوله احمد بن بویه (۳۲۰ - ۳۵۶ ق) بر عراق، خوزستان، فارس و کرمان، به خاطر ارادت این دودمان ایرانی نژاد به خاندان رسول صلی الله علیه و آله، سیاست حکومتی در ایران به نفع شیعه رقم خورد و با رواج تدریجی مذهب تشیع، ادب عاشورا نیز از نیمه دوم سده چهارم به تدریج فصل ممتازی را به خود اختصاص داد (مجاهدی، ۱۳۷۹: ۵۷). درباره این دوران دکتر صفا، مؤلف *تاریخ ادبیات در ایران*، می‌گوید: «وضع شیعه در قرن چهارم و اوایل قرن پنجم از میان سایر قرون ممتاز است؛ زیرا در این دوره بر اثر غلبه سادات طالبیه و امرای آنان از قبیل اسفهار، ماکان، مردآویج و آل بویه قسمت بزرگی از ایران تحت تسلط دولت‌های طرفدار تشیع یا دولت‌های غیر مزاحم نسبت به شیعه قرار داشت. آل سامان هم بر اثر بی‌آزاری خود نسبت به اهل ادیان و مذاهب مختلف، با شیعه از در مخالفت در نمی‌آمدند» (صفا، ۱۳۵۵: ۲۴۴/۱-۲۴۵). همچنین گفتنی است که در همین دوران، به وسیله حکومت آل بویه، مجالس نوحه سرایی و سوگواری بر امام شهید علیه السلام گسترش می‌یابد و از دایره تنگ نوحه سرایی در خانه‌ها و مجالس خصوصی به مساجد و خیابان‌ها مبدل می‌شود (شهرستانی، ۱۴۰۳: ۲۱۳). به نظر می‌رسد، شعر کسایی مروزی (۳۹۱-۳۴۱ ق)، از نخستین بارقه‌های شعر حسینی است که بر چهره ادبیات پارسی نقش بست و به طور مستقیم شهادت امام حسین علیه السلام و وقایع روز عاشورا را ترسیم کرد:

باد صبا در آمد فردوس گشت صحرا	آراست بوستان را نیسان به فرش دیبا
دست از جهان بشویم، عزّ و شرف نجویم	مدح و غزل نگویم، مقتل کنم تقاضا
میراث مصطفی را، فرزند مرتضی را	مقتول کربلا را، تازه کنم تولا

(ریاحی، ۱۳۶۸: ۳۷)

ناصر خسرو قبادیانی (۳۹۴-۴۸۱ ق) که از مدح درباریان روی برتافته و به تعبیر خود

گوهرهای پاک پارسی را در خدمت آیین و آرمان خود قرار داده و خدمت حاکمان و فرمانروایان نمی‌کند:

من آنم که در پای خوکان نریزم      مر این قیمتی دُر لفظ دری را  
(قبادیانی، ۱۳۶۱: ۳۶)

نیز در رثای حسین علیه السلام با زبانی آتشین و گرم به ستیز با یزیدیان برخاسته و چنین می‌سراید:

لعنت کنم بر آن بت کز فاطمه فدک را      بستد به قهر تا شد رنجور و خوار و غمگین  
لعنت کنم بر آن بت کو کرد و شیعت      حلق حسین تشنه در خون خضاب و رنگین  
(همان، ۴۷۳)

از ویژگی‌های شعر عاشورایی این دوران نگاه عرفانی - عاشقانه و برداشت فلسفی - عرفانی از حماسه امام حسین علیه السلام است (کافی، همان: ۱۳۲) که در اشعار شاعرانی چون سنایی غزنوی (۴۷۳-۵۳۲ق) شاعر نامی و عارف روزگار خود آشکار است:

حَبَّذا کربلا و آن تعظیم      کز بهشت آورد به خلق نسیم  
و آن تن سر بریده در گل و خاک      و آن عزیزان به تیغ دل‌ها چاک ...  
تیغ‌ها لعل‌گون ز خون حسین      چه بود در جهان بترزین شین<sup>۱</sup>؟  
زخم شمشیر و نیزه و پیکان      بر سرنیزه، سربه جای سنان  
(سنایی، ۱۳۵۹: ۲۶۶)

عطار نیشابوری (۵۴۰-۶۱۷ق) نیز در مصیبت‌نامه، به کربلا نگاهی عارفانه دارد و ضمن ستایش امام حسین علیه السلام، سخنان غضب‌آلودش را متوجه بنی امیه می‌سازد:

آفتاب آسمان معرفت      آن محمد صورت و حیدر صفت  
قِرّة العین آن امام مجتبی      شاهد زهرا، شهید کربلا ...  
کی کنند این کافران با این همه      کو محمد؟ کو علی؟ کو فاطمه؟  
صد هزاران جان پاک انبیا      صف زده بینم به خاک کربلا  
با جگر گوشه‌ی پیمبر این کنند!      وانگهی دعوی داد و دین کنند!  
(عطار، ۱۳۸۰: ۳۷)

۱. شین: عیب و زشتی.

مولانا (بی تا: ۱۰۰۴)، خداوندگار عشق و عرفان، در غزلی دل‌انگیز به یاد شهیدان دشت کربلا چنین می‌سراید:

کجایید ای شهیدان خدایی      بلاجویان دشت کربلایی  
 کجایید ای سبک روحان عاشق      پرنده‌ترز مرغان هوایی  
 قصیده سیف فرغانی، شاعر بزرگ اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم نیز از نمونه‌های برجسته شعر عاشورایی این دوران به شمار می‌آید. به گفته دکتر صفا «او در زمره قدیمی‌ترین سخنورانی است که در ثناء شهیدان کربلا شعر گفته» است (صفا، همان: ۳۱/۱). فرغانی در این ابیات خلق را به اقامه مراسم تعزیت و زاری دعوت کرده و گریه در این ماتم را موجب شست و شوی «غبار کدورت از دل» و «نزول غیث رحمت» دانسته است:

ای قوم در این عزا بگریید      بر کشته‌ی کربلا بگریید...  
 تا شسته شود کدورت از دل      یک دم ز سر صفا بگریید  
 نسیان گنه صواب نبود      کردید بسی خطا بگریید  
 وز بهر نزول غیث رحمت      چون ابرگه دعا بگریید

(فرغانی، ۱۳۴۱: ۱۷۶-۱۷۷)

شایان ذکر است که با مروری بر مرثیه‌سرایی شاعران این دوران، آنچه به وضوح، به ویژه در سده‌های چهارم و پنجم هجری، نمایان است، استفاده تلویحی و تلمیحی از عاشورا، کربلا و امام حسین علیه السلام در اشعار است؛ یعنی، شاعر از این تعبیرتها برای بیان مقصود خویش بهره گرفته و غرضش از این تلمیحات، مضمون پروری و مشابهت‌سازی است و نه مرثیه‌سرایی. برای تأیید مطالب بالا می‌توان به ابیات زیر اشاره کرد:

قطران تبریزی (۱۳۳۳: ۳۶۸) در مرگ ممدوحش که ظاهراً از امیران بوده است و به تشنگی جان داده یا مرض استسقا داشته، چنین می‌سراید:

ای میرسان مصطفی بودی      چون اوزهمه بدی جدا بودی  
 بسیار بلاکشیدی از گیتی      بی آن که تو خلق را بلا بودی  
 رفتی ز جهان به تشنگی بیرون      مانند شهید کربلا بودی



مسعود سعد سلمان (۴۳۸-۵۱۵ ق)، گریه روز و شب خود را چنین وصف کرده است:

چندان کز این دو دیده‌ی من رفت روز و شب

هرگز نرفت خون شهیدان کربلا

(سلمان، ۱۳۶۴: ۲۳)

از دیگر ویژگی‌های برجسته شعر حسینی این دوره که به وضوح دیده می‌شود، روح حماسی اشعار و فخامت آنهاست؛ یعنی، در بسیاری از اشعار جزالت سخن و پیراستگی کلام و گرایش به توصیف دلاوری‌ها و فداکاری‌ها از بار عاطفه حزن‌انگیز و احساسات غم‌پرور می‌کاهد و «بی‌گمان اگر غیرت شیعه‌گری و نگاهی که در قرون بعد به واقعه عاشورا از منظر تقابل حق و باطل و جنگ اسلام و کفر می‌شد، در این عصر حضور داشت، شعر عاشورایی این دوران حماسه‌ترین شکل شعر فارسی نام می‌گرفت» (حسن‌لی و کافی، ۱۳۸۵: ۵۰). به عنوان نمونه، این شعر خواجه‌ی کرمانی (۱۳۶۹: ۱۳۱) از حماسه موج می‌زند:

شیری که قاف شد ز تیغ او چو کاف      عنقا ز بازرایت او مخفتی به قاف...  
در حضرتش حکایت شاهان چین خطا      در معرضش حدیث ملوک عجم گزاف  
چهره‌های دیگری مانند انوری، جمال‌الدین عبدالرزاق، سلمان ساوجی، اوحدی مراغه‌ای و ابن‌یمین از شاعران شعر عاشورایی این دوره هستند.

شعر حسینی از قرن دهم تا پایان نیمه دوم قرن دوازدهم

پس از استقرار صفویان بر تخت سلطنت، مذهب تشیع توسط شاه اسماعیل صفوی رسمی شد. از این رو، بر خلاف دوره‌های پیشین، شعر حسینی از قید و بندهایی که در گذشته با آن روبه‌رو بود، آزاد شد. این رهایی، آغازی شکوهمند و پُردامنه برای این‌گونه از شعر بود و بر خلاف سده‌های پیشین شاعران به طور گسترده به شعر حسینی روی آوردند و تقریباً تمامی شاعران، دیوان و دفتر خود را با آن پیوند زدند، تا جایی که گویی «این کار را زکات طبع و قریحه خود به شمار می‌آوردند» (صفا، همان: ۶۲۲/۵). حمایت فرمانروایان از سروده‌های آیینی شاعران و دامن‌گسترده‌ی عزاداری و تعزیه، از عوامل اساسی رواج و

رونق مرثیه‌های حسینی بود. توجه به جنبه‌های حزن و اندوه حادثه کربلا از گرایش‌های بیشتر شاعران این دوره است؛ به همین دلیل، جنبه عاطفی و رثایی بر بُعد حماسی غالب اشعار پیشی یافته است. موضوعاتی نظیر: ترسیم تشنگی یاران امام حسین علیه السلام، سوگواری افلاک و فرشتگان، اشاره به مظلومیت و اسارت، بیش از دوره پیشین، در اشعار متجلی شده است. اهلی شیرازی برای نمایش شدت ماتم، تشنگی حضرت علی اصغر علیه السلام را توصیف کرده است:

حلقی که تشنه دم آبی است چون خورد      تیغی که زهر آب زارقم گرفته است<sup>۱</sup>  
(حجازی، همان: ۱۲۹)

ترکیب بند محتشم کاشانی (۱۳۶۳: ۳۲۳) که بر فراز مرثیه‌های حسینی این دوران است از اندوه فرشتگان در عالم والا می‌گوید:

در بارگاه قدس که جای ملال نیست      سرهای قدسیان همه بر زانوی غم است  
جن و ملک بر آدمیان نوحه می‌کنند      گویا عزای اشرف اولاد آدم است  
صائب تبریزی (۱۰۱۶-۱۰۸۶ ق) نیز ماتم روزگار و پرندگان را در شهادت امام حسین علیه السلام ترسیم کرده است:

در ماتم تو چرخ به سر، گاه ریخته است      این نیست کهکشانی که زگردون  
از بس که طایران هوا خون گریستند      از ماتم تو روی زمین گشت لاله زار  
(حجازی، همان: ۱۹۶)

امید به شفاعت و ثواب سرای آخرت دیگر موضوعی است که در اشعار حسینی این دوران قوت بیشتری می‌یابد. فضولی بغدادی (۱۹۶۲: ۲۰۵-۲۰۶) از شعرای سده دهم هجری، از شهید کربلا طلب عنایت و بخشش می‌کند:

یا شهید کربلا از من عنایت کم مکن      چون توشاه کربلایی من گدای کربلا  
در دلم دردی ست استیلا بی‌معصیت      شربت می‌خواهم از دارالشفای کربلا  
محتشم (همان: ۶۵۹) نیز از خداوند شفاعت حسین علیه السلام را در روز جزا طلب می‌کند:

خداوندا به حق آل حیدر      به حق عترت پاک پیمبر

۱. ارقم: مار سفید و سیاه رنگ.

که سوی محتشم چشم عطا کن شفیعی را شهید کربلا کن  
 در این دوره، برخی رویکردهای دولت صفوی که بیشتر بنیان سیاسی  
 داشت تا پایه‌ای اعتقادی، اغراق را ترویج داد و موجبات ملولی شعر حسینی را  
 فراهم آورد. در کنار نگاه مداحانه سخنوران به اصحاب عاشورا، هجو یزید و حامیانش  
 از شدت بیشتری برخوردار شد تا جایی که در برخی از اشعار، شاعر گام فراتر نهاده و زبان  
 به لعن و نفرین گشود. نظیری نیشابوری که از کینه ابن زیاد لبریز است، در این راستا،  
 چنین می‌گوید:

ابن زیاد سگ به صلاح یزید شوم شمشیر جور و کین به صف خاندان نهاد  
 (حجازی، همان: ۱۷۷)

زلالی خوانساری، از شاعران اواخر قرن دهم و اوایل قرن یازدهم هجری نیز، زبان به  
 نفرین شمر و زیاد و خاندانش گشوده است:

لعن خدای تا به قیامت زیاد باد بر شمر و بر زیاد و بر آل زیاد باد  
 (همان، ۱۸۱)

واعظ قزوینی (۱۳۵۹: ۴۸۳) در شعرش علت رویدن سبزه‌ها را در هر سال لعن  
 یزید می‌داند:

نه سبزه است که هر سال می‌دمد از خاک

زبان شود در ودشت، از برای لعن یزید  
 در برخی از اشعار هم شاعر زبان به هجو روزگار گشوده و از دست آن بیداد می‌کند،  
 گویی روزگار مسئول شهادت امام حسین علیه السلام است. شکوه از روزگار و اندیشه‌های  
 جبرگرایی از سوی دستگاه‌های حکومتی ترویج شد تا از این طریق ظلم و ستم خویش را  
 توجیه کنند (سبحانی، ۱۳۶۱: ۱۰۷-۱۰۸) شاعرانی همچون محتشم و صائب تبریزی این  
 عقیده را در شعر خود منعکس کرده‌اند:

ای چرخ غافلی که چه بیداد کرده‌ای وز کین چه‌ها در این ستم آباد کرده‌ای  
 بر طعنت این بس است که بر عترت رسول بیداد کرده خصم و توامداد کرده‌ای  
 (محتشم، همان: ۳۲۷)

لعل لبی که بوسه‌گه جبرئیل بود  
بی آب شد از سنگدلی‌های روزگار  
رنگین ز خون شده است، ز بی‌رویی سپهر  
رویی که می‌گذاشت براو، مصطفی، عذار  
(حجازی، همان: ۱۹۶)

با دقت در اشعار آیینی این دوره تاریخی، روشن است که هر چند با گستره فراوان  
مراثی و مدائح اهل بیت علیهم‌السلام و مکارم و فضایل پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم روبه‌رو هستیم ولی برخی از  
این اشعار گاه به علت گرایش به جنبه‌های عاطفی صرف و اغراق در مدایح و هجو  
موجب شده است تا شاعر نتواند تصویر دقیقی از قیام کربلا و اهداف عالی امام  
حسین علیه‌السلام ترسیم کند.

#### شعر حسینی از نیمه دوم قرن دوازدهم تا نیمه دوم قرن چهاردهم

این دوره، از نظر سیاسی مصادف با حکومت‌های افشاریه، زندیه و قاجار است. با  
مطالعه ادبیات این دوران چنین به نظر می‌رسد که هرج و مرج‌های پس از سقوط صفویه و  
ستیزه‌طلبی حکومت افشاریه، رونق پیشین هنر و ادبیات را فرو کاست، البته آرامش  
نسبی بعد از روی کار آمدن دولت زندیه و سپس دولت قاجاریه موجب رقم خوردن برگ  
دیگری در تاریخ ادبیات فارسی گشت. حمایت آنان از ادیبان و شاعران، نوعی آسودگی  
خاطر را فراهم آورد که زمینه را برای رشد سخنوری مهیا ساخت (نک. شمس‌لنگرودی،  
۱۳۷۲: ۵۷-۶۲). از نظر ادبی این عصر، به عنوان دوره بازگشت شناخته می‌شود.  
نازک‌اندیشی‌های سبک هندی و افراط در پروردن مضمون غریب، شعرا حتی از فهم  
خواص بیرون برد، این در حالی بود که جزالت و فخامت در سخن چندان نمایان نبود و  
بازگشت به شاعران سبک عراقی و پیش از آن تدبیری بود که از سوی شاعران این زمان  
اندیشیده شد. تدبیر سیاسی این دوران، به غیر از دوره نادر شاه، برپاسداشت شعائر  
اسلامی و شیعی، خاصه عزاداران حضرت بود؛ به همین دلیل، اشعار عاشورایی  
همچنان در ادبیات فارسی رو به گسترش بود.



بیشتر مضامین شعر حسینی این دوره نیز در مسیر شعر دوره پیشین، صفویه، قرار دارد. تکرار و تقلید از ترکیب بند محتشم کاشانی در میان برخی از شاعران همچون: عاشق اصفهانی، صباحی بیگدلی، وصال شیرازی، ادیب الممالک فراهانی، کمپانی اصفهانی آشکار است. با این وجود، گاه با شاعرانی پیشگام در برخی از عرصه‌ها روبه‌رو می‌شویم، همچون فدایی مازندارنی که نخستین مقتل منظوم را می‌سراید و یغمای جندقی که قالب مستزاد را برای شعر حسینی انتخاب کرده و «مکتوب‌کردن نوحه سینه‌زنی از ابداعات اوست» (همان، ۲۹۸). ناگفته نماند که شعر عاشورایی این دوره بی‌تأثیر از انقلاب مشروطه نیست، پیوند با واقعه عظیم عاشورا و استفاده از عنصر حماسه‌ای که در این حادثه است، آزادی‌خواهی و ستم‌ستیزی را در شعر شاعران مشروطه روان ساخت.

در بُعد رثا و اندوه، گرایش شعراء، همچون گذشته، به ترسیم موضوعاتی چون: مظلومیت، شهادت، اسارت، تشنگی و عطش است. عاشق اصفهانی (۱۳۴۳: ۴۵۱) با اندوهی تمام از شهادت نور دیده فاطمه علیها السلام و پیامبر صلی الله علیه و آله پرسش می‌کند:

نور دو چشم فاطمه و بوتراب کو؟

تاریک گشت هر دو جهان، آفتاب کو؟

مهمان کربلا که به غیر از سنان و تیغ

او را به حلق تشنه نکردند آب کو؟

غلمان و حور تعزیه دارند و سوگوار

ای روزگار، «سید اهل شباب» کو؟<sup>۱</sup>

قآنی (۱۲۲۲-۱۲۷۰ق) هم با اسلوب پرسش و پاسخ به زیبایی غم حادثه را توصیف

می‌کند:

بارد، چه؟ خون، ز دیده، چسان؟ روز و شب،

از غم، کدام غم؟ غم سلطان کربلا

۱. اشاره به حدیث «الحسنُ والحسینُ سَيِّدا شبابِ أهلِ الجنَّةِ».

نامش که بُد؟ حسین، ز نژاد که؟ از علی علیه السلام

مامش که بود؟ فاطمه، جدّش که؟ مصطفی

(قآنی، ۱۳۳۶: ۹۴۸)

شکوه از روزگار و سپهر همچون گذشته در شعر بیشتر شعرا نمود دارد، وصال شیرازی

(۱۲۶۲-۱۱۹۷ ق) واقعه کربلا را از بزرگترین بیدادگری‌های چرخ گردون به شمار می‌آورد:

با این همه تطاول و با این همه خلاف      ظلمی به سان واقعه‌ی کربلا نشد

(وصال شیرازی، بی تا: ۹۰۳)

یغمای جندقی (۱۱۹۶-۱۲۷۶ ق) هم در مرثیه‌اش از روزگار شکوه کرده و آن را مسئول

شهادت امام حسین علیه السلام می‌داند:

سال و ماه و شب و روز از تو نیم شاد، فلک      از تو و فریاد فلک

صِرصر قهر تو در ماریه از آل زیاد      آتشی ریخت که داد

خاک اولاد پیمبر همه برباد فلک      از تو و فریاد فلک

(یغما، ۱۳۶۷: ۳۱۷)

نقل روایی حادثه عاشورا و ترسیم جزئیات واقعه، در شعر برخی از شاعران رواج یافت،

تاجایی که گاه صورت مقتل منظوم به خود می‌گیرد.<sup>۲</sup> فدایی مازندرانی (۱۲۰۰-۱۲۸۲ ق)

گفت و گوی حرّ را با امام حسین علیه السلام توصیف می‌کند:

نادم شدم ز فعل خود و توبه کرده‌ام      آیا قبول توبه‌ی من می‌کند خدا؟

گفتا شه شهید بود توبه‌ات قبول      غمگین مشو که هست خدا غافر الخطا

وانگه به اذن سرور دین، حُرّ شیردل      انگیخت خنک جانب میدان اشقیاء<sup>۳</sup>

آن شیردل فکند چهل تن به روی خاک      ناگه در آن میانه یکی شوم ناروا

زد نیزه‌ای به سینه آن با وفا چنان      کز پشت او زبان سنان گشت برملا...

(محمدزاده، ۱۳۸۳: ۱۳۸۳ / ۲: ۸۹۸)

۱. باد تند و سخت.

۲. منظور از نقل روایی عاشورا این است که در آن شاعر تلاش می‌کند تا تمامی جزئیات حادثه و گاه بسیاری از

سخنان شخصیت‌های حادثه را بی‌کم کاست، در نظم بیان کند (خزعلی، ۱۳۸۳: ۱۲۴).

۳. خنک: اسب سفید موی.

عمّان سامانی (۱۲۵۸-۱۳۲۲ق) با اثر جاودانش در شعر عاشورایی، به نام گنجینه اسرار، با قرائتی عارفانه از عاشورا به شرح جزئیات حماسه امام حسین علیه السلام، پرداخته است:

خواهرش بر سینه و بر سر زنان      خرمن آزادگان را سوخته  
سیل اشکش بست بر شه، راه را      دود آهش کرد حیران شاه را  
در قفای شاه رفتی هر زمان      بانگ مهلاً مهلاًش بر آسمان  
کای سوار سرگران کم کن شتاب      جان من لختی سبک ترزن رکاب ...

(عمان سامانی، ۱۳۷۶: ۸۶)

پرداختن به اصحاب عاشورا و پررنگ شدن نقش آنها، ثمره توجه به جزئیات حادثه در شعر عاشورایی این دوره است که در دوره پیشین نیز تا حد کمی مشهود بود. در این دوره، در شعر شاعرانی چون: وصال شیرازی، قآنی، یغمای جندقی، سروش اصفهانی، فدایی مازندرانی، عمّان سامانی، ادیب الممالک فراهانی، شخصیت‌های دیگر عاشورا، برخلاف برخی از اشعار که از ساحت امام حسین علیه السلام فراتر نمی‌رفت، تجلّی دارد. زینب علیها السلام، ابوالفضل، علی اصغر، علی اکبر و حضرت زین العابدین علیه السلام مورد توجه شاعران این دوره هستند. به عنوان نمونه در شعر ادیب الممالک فراهانی (بی تا: ۵۷۱) چنین می‌خوانیم:

آمد میان معرکه گفت: ای گروه دون      کز راه حقّ شدید به یکبارگی برون  
از جورتان تپید به خون اکبر جوان      وز ظلمتان لوای ابی الفضل شد نگون  
این طفل شیرخواره سه روز است کز      نوشد به جای شیر ز پستان غصّه خون ...

#### شعر حسینی در دوره معاصر

سیر شعر عاشورایی را در این دوره باید در دو مقطع قبل از انقلاب اسلامی و بعد از انقلاب دنبال کنیم، چون در هر یک گرایش شاعران به گونه‌ای خاص است. در شعر قبل از انقلاب، تاحدودی مضامین و مفاهیم مذهبی، در انزوا و غربت قرار می‌گیرد، چون از سویی گرایش‌های نوین غربی در میان شاعران شدت می‌گیرد و از سوی دیگر حاکمیت پهلوی به مذهب و امور مذهبی پابندی و علاقه‌ای نشان نمی‌دهد. از همین رو، در آثار شاعران برجسته قبل از انقلاب نظیر: نیما یوشیج، مهدی اخوان ثالث، احمد شاملو،

فروغ فرخ‌زاد و سهراب سپهری نشانه‌هایی از شعر حسینی نمی‌یابیم. با وقوع انقلاب اسلامی برگ تازه‌ای در تاریخ اشعار عاشورایی رقم می‌خورد. وقوع جنگ میان ایران و عراق و دگرگونی‌های سیاسی و اجتماعی در جهت گسترش فرهنگ اسلامی، پیوندی میان سخنوران و حادثه عاشورا برقرار ساخت که حاصل آن شکوفایی ادبیات عاشورایی بود.

نگاه شاعر امروز متفاوت از گذشته است، اشعار امروز، با قالب‌های سنتی و نو، بیشتر رنگ و بوی حماسه را می‌دهند تا رثای محض، گویی لباس حماسه و قیام و دادخواهی بر اندام آن دوخته‌اند. برخی از صاحب‌نظران، شعر حسینی این دوره را شکوفا و بالنده می‌دانند که نگاهش همه‌سونگرانه است: «در هیچ دورانی از هزار سال شعر فرهیخته و بالنده شعر فارسی، شعر عاشورایی گسترش، ژرفا و نگاه همه‌سونگرانه چون روزگار ما به خود ندیده است. چهار بُعد حادثه عظیم عاشورا یعنی سوگ، حماسه، اندیشه و عرفان، در هیچ عصری به روشنی و زیبایی عصر ما در شعر حضور نیافته است» (سنگری، ۱۳۸۵: ۱۴). موسوی گرمارودی، طاهره صفارزاده، علی معلّم، سید حسن حسینی و قیصر امین‌پور توفیقات بسیاری در این زمینه به دست آورده که می‌توان از آنها به عنوان نمایندگان تعالی بخش شعر حسینی یاد کرد. رویکرد شاعر امروز بیان عظمت‌های عاشورا است نه غم و اندوه، اگر هم جنبه رثا مورد نظر است آمیزه‌ای از حماسه‌ها و عرفان و عشق دارد: «آه ای مرگ تو معیار! / مرگت چنان زندگی را به سخره گرفت / و آن را بی‌قدر کرد / که مردنی چنان / غبطه زندگانی شد / خونت با خونبهای حقیقت / در یک طراز ایستاد / و عزمت، ضامن دوام جهان شد» (موسوی گرمارودی، ۱۳۶۳: ۱۴۰-۱۴۱). قیصر امین‌پور با نگاهی عارفانه و عاشقانه به واقعه کربلا پرداخته است: «آن طرف، انبوه دشمن / غرق در فولاد و آهن بود / این طرف، منظومه خورشید روشن بود / این طرف هفتاد سیاره / بر مدار روشن منظومه می‌چرخید / دشمنان، بسیار / دوستان اندک / این طرف کم بود و تنها بود / این طرف کم بود، اما عشق با ما بود» (سنگری، همان: ۴۴). در شعر علی معلّم دامغانی (۱۳۷۶: ۶۳) آمیزه‌ای از مدح و رثای امام حسین علیه السلام را می‌بینیم:



روزی که بر جام شفق مُل کرد خورشید<sup>۱</sup>  
بر خشک چوب نیزه‌ها گل کرد خورشید  
شید و شفق را چون صدف در آب دیدم  
خورشید را بر نیزه گویی خواب دیدم  
پیوند عاشورا با مسایل روز نیز در شعر برخی از شاعران تبلور یافته است:  
گر برستم قرون بر آشفتم حسین علیه السلام  
بیداری ما خواست، به خون خفت حسین  
آن جا که زبان محرم اسرار نبود  
بالهجه خون سَرَمگو گفت حسین  
(حسینی، ۱۳۸۸: ۱۱۱)

#### نتیجه

با بررسی اشعار عاشورایی فارسی در گستره زمان مشخص شد که این بخش از ادبیات، همواره بازتاب دهنده ابعاد متنوعی بوده است. ادبا و شاعران با یک نگاه و از یک منظر به حماسه امام حسین علیه السلام نگاه نکرده و موضوعات مختلفی را در این نوع از سروده‌ها بیان داشته‌اند، هم‌چنان که گاه از شرایط سیاسی، اجتماعی و اقلیمی متأثر بوده‌اند. به همین دلیل در هر برهه، جلوه‌های گوناگونی از این حماسه آشکار شده است. گاه دردناکی حادثه، عاطفه و احساس شاعر را برانگیخته و سبب پدیدار شدن رثای حسینی شده است. گاه بزرگداشت یاد امام علیه السلام، توجه به کرامت، علم و حکمت ایشان در اشعار جلوه کرده است. هم‌چنین جنبه‌های حماسی عاشورا، شجاعت‌ها و فداکاری‌ها نیز در قالب اشعار حماسی ابراز شده است. نیز یاد نام و نهضت حسین علیه السلام به عنوان الگوی نهضت‌ها، در پیچه دیگری از ادبیات را در طی تاریخ فراروی مخاطبان خود گشود که تبلور شعر مقاومت در عصر حاضر در این راستا به شمار می‌آید. غالب موضوعات شعر عاشورایی، در اغراضی چون رثا، مدح، حماسه و هجویان گشته و اغلب شاعران به

۱. مُل: شراب.

یادآوری جایگاه و عظمت سرور شهیدان، اهتمام داشته‌اند.

### منابع

- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۸ق)، *لسان العرب*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- افتخارزاده، محمودرضا (۱۳۷۴ش)، «ادبیات عاشورا، در دوره امامان علیهم‌السلام (۶۱-۵۲۶ه)»، مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی امام خمینی (ره) و فرهنگ عاشورا، دفتر اول، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- حجازی، علی‌رضا و مرضیه محمدزاده (۱۳۸۷ش)، «بازتاب حماسه عاشورا در شعر بعضی از شاعران عرب زبان» فصلنامه علمی-پژوهشی شیعه‌شناسی، شماره ۲۳، ص ۱۹۹-۲۲۱.
- الحسن، عبدالله (۱۴۱۸ق)، *لیله عاشوراء فی الحدیث والأدب*. د.م، د.ن.
- حسن‌لی، کاووس و غلامرضا کافی (۱۳۸۵-۱۳۸۶)، «ویژگی شعر عاشورایی از قرن چهارم تا پایان قرن نهم»، فصلنامه علمی پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء (س)، شماره ۶۱ و ۶۲، ص ۳۱-۶۹.
- حسینی، حسن (۱۳۸۸ش)، *هم‌صدا با حلق اسماعیل*، تهران، سوره مهر.
- خزعلی، انسیه (۱۳۸۳ش)، *امام حسین علیهم‌السلام در شعر معاصر عربی*، تهران، امیرکبیر.
- خواجه‌جوی کرمانی، محمود بن علی (۱۳۶۹)، *دیوان اشعار*، به اهتمام احمد سهیلی خوانساری، تهران، پازنگ.
- ریاحی، امین (۱۳۶۸ش)، *کسایی مروزی، زندگی، اندیشه و شعراو*، تهران، توس.
- سبحانی، جعفر (۱۳۶۱ش)، *سرنوشت از دیدگاه علم و فلسفه*، قم، توحید.
- سلمان، مسعود سعد (۱۳۶۴ش)، *دیوان اشعار*، تصحیح مهدی نوریان ورشید یاسمی، اصفهان، نشر کمال.
- سنایی، محدود بن آدم (۱۳۵۹ش)، *حدیقه الحقیقه و شریعة الطریقه*، به کوشش مدرس رضوی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- سنگری، محمدرضا (۱۳۸۵ش)، *راز رشید*، مجموعه شعر عاشورایی، تهران، سوره مهر.



- شمس الدین، محمد مهدی (بی تا)، *واقعه الکر بلا فی الوجدان الشعبی*، بیروت، الموسسه الدولیه للدراسات والنشر.
- شمس لنگرودی، محمد (۱۳۷۲ش)، *مکتب بازگشت*، بررسی شعر دوره های افشاریه، زندیه، قاجاریه، تهران، مؤلف.
- شهرستانی، صالح (۱۴۰۳ق)، *عزای حسین از آدم تا زمان ما*، قم، عمادزاده.
- صفا، ذبیح الله (۱۳۵۵ش)، *تاریخ ادبیات در ایران، از آغاز عهد اسلامی تا دوره سلجوقی*، تهران، امیرکبیر.
- عاشق اصفهانی، محمد (۱۳۴۳ش)، *دیوان عاشق اصفهانی*، تهران، انتشارات جاویدان.
- عطار نیشابوری، شیخ فریدالدین (۱۳۸۰ش)، *مصیبت نامه*، به اهتمام و تصحیح دکتر نورانی وصال، تهران، انتشارات زوّار.
- عمان سامانی، نورالله بن عبدالله (۱۳۷۶ش)، *گنجینه اسرار*، به کوشش حمید یعقوبی سامانی، اصفهان، مؤسسه انتشاراتی عمان سامانی.
- فراهانی، ادیب الممالک (بی تا)، *دیوان اشعار، تصحیح وحید دستگردی*، تهران، فردوس.
- فرغانی، سیف الدین محمد (۱۳۴۱ش)، *دیوان سیف الدین محمد فرغانی*، به کوشش ذبیح الله صفا، تهران، فردوس.
- فضولی بغدادی، محمد بن سلیمان (۱۹۶۲م)، *دیوان اشعار، تصحیح حسیبه مازی اوغلی*، بی جا، انتشارات دوستان.
- قآنی، حبیب الله بن محمد علی (۱۳۳۶ش)، *دیوان حکیم قآنی شیرازی*، تصحیح محمد جعفر محبوب، تهران، امیرکبیر.
- قبادیانی، ناصر خسرو (۱۳۶۱ش)، *دیوان اشعار، از روی تصحیح سید نصرالله تقوی*، تهران، نشر چکامه.
- قطران تبریزی، شرف الزمان (۱۳۳۳ش)، *دیوان قطران*، به اهتمام محمد نخجوانی، تهران، ققنوس.

- کافی، غلامرضا (۱۳۸۶ش)، شرح منظومه ظهر، نقد و تحلیل شعر عاشورایی از آغاز تا امروز، تهران، مجتمع فرهنگی عاشورا.
- مجاهدی، محمدعلی (۱۳۷۹ش)، شکوه شعر عاشورا، قم، مرکز تحقیقات اسلامی سپاه.
- محتشم کاشانی، علی بن محمد (۱۳۶۳ش)، دیوان مولانا محتشم کاشانی، بی جا، انتشارات محمودی.
- محمدزاده، مرضیه (۱۳۸۳ش)، دانشنامه شعر عاشورایی، انقلاب حسینی در شعر شاعران عرب و عجم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- معلم دامغانی، علی (۱۳۷۶ش)، رجعت سرخ ستاره، تهران، حوزه اندیشه و هنر اسلامی.
- موسوی گرمارودی، علی (۱۳۶۳ش)، خط خون، تهران، کتابفروشی زوّار.
- مولوی، جلال الدین محمد بن محمد (بی تا)، کلیات شمس تبریزی، تهران، امیرکبیر.
- نفیسی، سعید (۱۳۶۳ش)، تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی، تهران، انتشارات فروغی.
- واعظ قزوینی، محمد رفیع (۱۳۵۹ش)، دیوان اشعار، بی جا، موسسه مطبوعاتی علی اکبر علمی.
- وصال شیرازی، محمد شفیع بن محمد اسماعیل (بی تا)، کلیات اشعار، تصحیح محمد عباسی، بی جا، کتابفروشی فخر رازی.
- یغما، ابوالحسن بن ابراهیم قلی (۱۳۶۷ش)، دیوان اشعار، تصحیح سید علی آل داود، تهران، انتشارات توس.

